

آدم برفی و پروانه

مolf

پریسا جهان شاهی

www.ketab.ir

« تقدیم به مادرم »
تنها ستاره ی آسمان تاریکم

سرشناسه	: جهان‌شاهی، پریسا، ۱۳۶۹-
عنوان و نام پدیدآور	: آدم برفی و پروانه/ مولف پریسا جهان‌شاهی.
مشخصات نشر	: تهران: هیات، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری	: ۱۲۸ ص.
شابک	: ۹۷۸-۹۶۴-۵۹۰۰-۶۷-۸
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
موضوع	: داستان‌های نوجوانان فارسی -- قرن ۱۴
موضوع	: -- Young adult fiction, Persian ۲۰th century
رده بندی کنگره	: PIR۸۳۳۹
رده بندی دیویی	: [۸۳۷/۲۶]ج
شماره کتابشناسی ملی	: ۸۵۳۶۷۰۰۴
اطلاعات رکورد کتابشناسی	: فیبا

شنا سنامه کتاب

عنوان کتاب: آدم برفی و پروانه

مولف: پریسا جهان‌شاهی

نقاشی: استاد فرهاد حسین پناهی

ناشر: انتشارات هیات

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

سال و نوبت چاپ: چاپ اول ۱۴۰۰

قیمت: ۷۰۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۵۹۰۰-۶۷-۸

داستان آدم برفی و پروانه که از روحیه ی حساس و گله مند نویسنده شکل گرفته و با نگارش بسیار خودمونی تحریر شده بود از آغاز نیز حرفهای بسیاری با خود داشت . حرفهایی از امید که لایه لای نداشتنها دفن شده بود و گویا انسان از یاد برده بود که « امید » موهبتی خداوندی است و هیچکس قادر نخواهد بود آن را از دنیای آدم ها جدا کند . دنیایی که صبر را سرلوحه ی پیروزمندی میداند که سرانجام در کالبد روح و جسم تمام خوبان زمین جاری می گردد و همه را متحد و یک شکل بسوی بهاری شادمان پیش می برد و صد البته خوبان قصه کسانی هستند فراتر از برداشتهای مردمان ساده دل، خوبان قصه را نمی توان درک کرد و همیشه در هیبت شخصیت های شناخته شده و نشده به مردمان امید می دهند و برای باورهای خوب زندگی با انسان مهربان هستند و هیچ گاه دشمنی و نابودی دیگران را سرمزمل موفقیت خود نمی دانند .

این خوب قصه این بار در کالبد آدم برفی شکل می گیرد و خود را با نجات یک پروانه سرگردان در داستان تثبیت می کند . آدم برفی که به ظاهر از جنس سرد زمستان است به وسعت تمام خوبان زمین قلبی گرم دارد و نجات یک پروانه را هر چند کوچک و به فرمایش بسیاری (ناچیز) اما ارزشمند می یابد و از تمام افکار زیبا می خواهد که برای نجات آن پروانه تلاش کنند زیرا هر پروانه را ، پروانه هایی می یابد که باید به بهار برسند و این فکر ژرف یافته و مهربان با نزدیک شدن به پایان قصه ، خود را شفاف تر نمایان می کند .

آدم برفی که در آغاز به شکل ابری روشن در آسمان تیره بود و از همان ابتدا با سیاهی و « من نوشتن ها » و « من گفتن ها » مشکل داشت سرانجام با طغیانی از ایستادگی و پایداری در برابر طوفان (که می توان نمادی از استبداد و خود کامگی انسانهای دور برداشت کرد) به

شکل دانه های سفید، نرم و سبک برف به زمین می آید . و توسط دستان کوچک کودکان سرزمینی که از رنج و درد پر است اما صمیمت و اتحاد در آنها موج می زند تبدیل به آدم برفی امید بخشی می شود که هر روز کودکان آن دیار از پشت پنجره به آن می نگرند و امید و خیال را هر یک به گونه ایی با آرزوهایشان هم وزن می کنند .

زمانی که کودکان آن سرزمین زمستانی که در اسارت سرما، یخ و بوران هستند، به این باور می رسند که « اندوه » نمی تواند حکم ران سرزمین شادشان باشد!!! با دستان کوچکشان آخرین سوسوی امید را در ساختن آدم برفی میابند و هر یک با تمام مشکلاتی که در گذشته و آینده پیش رودارند، همت می گمارند و سرانجام آدم برفی با آمیزشی از خیال آنان خلق میشود . و اینگونه آدم برفی مانند پیری سهراب و بلقچربه در رویکرد داستان جریان می یابد .

هر یک از کودکانی که در ساخت آدم برفی سهیم هستند را می توان سمبل یک طبقه ی اجتماع دانست که سرپرستهای آنان دیگر نمی توانند کودکان خود را آنطور که شایسته است، حمایت کنند و اغلب ناامید شده اند . اما کودکان آن سرزمین متحد می شوند و با تمام مشکلات به خلق آدم برفی منجر می شود .

زیبایی داستان دو چندان می شود زمانی که آدم برفی که خود از جنس سوز و سرما است تبدیل به ناجی پروانه ای گرفتار در چنگال طوفان سرد زمستان می شود و با تمام تهدیدهایی که از سمت طوفان می شود همچنان آدم برفی پروانه را حمایت می کند . این مهم که نویسنده ی داستان به خوبی به آن اشاره کرده است زمانی پرنگ تر خود را نشان می دهد که تاریخ همیشه از مردانی می گوید که خود از جنس تهدید بوده اند اما به حمایت مظلوم شتافته اند و مردمانی را از چنگال استبداد نجات داده اند .

زمانی که پروانه به بهار میرسد فراموشی می کند که این رسیدن از فداکاری آدم برفی شکل گرفته است. این فراموشی در داستان، که در افکار نویسنده پنهان بوده و شاید خواستگاه این فراموشی از درون نویسنده شکل گرفته است و یا شاید از تأمل با افراد اجتماع، در داستان خود را اینچنین نمایان کرده است. به هر شکل این گذار در پیکره ی داستان نقش پر رنگی را ایفا می کند و تصویر به جا مانده از آدم برفی، اسکلت و یا همان نگرشی بوده که کودکان هر یک از خانه هایشان آورده اند. (اسکلت چوبی، هویج، دکمه، سکه و...) برگشت پروانه به مکان آدم برفی و دیدن این فضا اندوه شفافی را به داستان تزریق می کند و خاطرات آدم برفی را در ذهن مخاطب ماندگار. البته توجه به این فضا از دید گاهی دیگر هم قابل توجه است! سؤال این است؟ که ماموریت آدم برفی در داستان به پایان رسیده است؟ و یا تفکری ظریف در داستان به دنبال پیامی خاص به مخاطب است؟! هر چه هست توجه به فداکاری خوبان از دید گاه قصه ها بلف نیست، و این واقعیتی غیر قابل انکار است که خوبان خود را فدا می کنند تا قصه سبز زمین آغاز شود. در پایان جا دارد از نقاشی بسیر زیبای استاد عزیز فرهاد حسین پناهی که با قلم هنر و خیال، « میناتور » قبول زحمت کردند و طرح جلد را به کتاب مزین کردند تشکر ویژه نماییم.

جمال مبارکی